

آثار و خدمات شمس العلما میرزا قلیچ بیگ در اشاعه جلال علمی زبان و ادب فارسی و ادبیات سندی

قاسم صافی*

چکیده:

یکی از ایران شناسان و سرآمدان برجسته سرزمین وسیع سند و از پیشروان زبان و ادبیات سندی که به چند زبان احاطه داشت و بیش از چهار صد اثر ارزشمند در زبان های مختلف به نظم و به نثر از خود به یادگار گذاشت و خدمات شایان و پرثمری در عصر خود، ایفا کرد، شمس العلما خان بهادر میرزا قلیچ بیگ است. او ۷۷ سال زیست و در فاصله زمانی عمر پر بار خود (۱۲۷۰ - ۱۳۴۷هـ) منشأ خدمات بسیار گرانقدری شد و مجموعه عظیمی در زمینه های گوناگون ادب و فرهنگ بویژه ادب فارسی پدید آورد. پژوهش زیر، آثار و خدمات وی را بررسی و معرفی می کند.

واژه های کلیدی: زبان و ادب فارسی، سرزمین سند، میرزا قلیچ بیگ، میراث مشترک.

مقدمه:

تاریخ ادبیات فارسی ایران را نمی توان بدون اشاره به سهم شخصیت های علمی و ادبی و سخنوران فارسی گوی در سرزمین های خارج از قلمرو ایران زمین به سلك نگارش درآورد. ممالك مختلف بخصوص شبه قاره و جنوب آسیا، دانشمندان بزرگ و برجسته ای طی قرون متمادی، تحویل جامعه ادبی و عرفانی ایران داده اند که در ارتقا و توسعه زبان و ادب فارسی، نقش بسزا و ارزشمندی ایفا کرده اند. احوال و آثار تعداد بسیاری از آنان در تاریخ های ادبیات و مجموعه ادبی ایران به اختصار آورده شده است و بسیاری از بزرگان که هنوز احوال و آثار و خدمتشان در پرده گمنامی است و جز معدودی از محققان سرزمینشان، کسی را با این چهره ها آشنایی نیست و لازم است که در مجموعه تاریخی ادبی ایران، به خدمات و سرگذشت آنان اشاره شود. همین امر موجب شد که در این پژوهش به بررسی احوال و شناسایی دیدگاه ها و خدمات وسیع خان بهادر میرزا قلیچ بیگ و منزلت او در توسعه و تقویت زبان و فرهنگ فارسی و زبان و ادبیات سندی بپردازیم.

زندگی نامه و خدمات

قلیچ آن مرد دانای خردمند	به شعر و نثر فارسی بود پای بند
و لکن شعر سندی دلربا است	تو گویی مظهر مهر و وفا است
قلیچ بیگ آمده گویای اسرار	محبت می کند از بهر دلدار

تسبیحی (رها)

شمس العلما خان بهادر میرزا قلیچ بیگ از بزرگان شعر و فرهنگ و از سخنوران ادب فارسی و سندی و اردو، روز چهارم محرم الحرام ۱۲۷۰ هجری برابر ۱۸۵۳ میلادی در محله تندو تهورو در حومه شرقی حیدرآباد در خانواده ای دانش دوست و ادب پرور چشم به جهان گشود. او در قطعه ای، تاریخ میلادش را

چنین بیان کرده است:

من چون زادم والد مرحوم من شد خوش یقین شکر گفت الحمد لله رب العالمین
فال نیک از من گرفت و طالع هم دید سعد آن محرم ماه بود تاریخ بوده چهارمین
بهر تاریخ ولادت نیک منظر ماده یافت باز یافت بر حتمک یا "الرحم الراحمین"
(۱۲۷۰ هجری ق)

زهرا میرزا از نوادگان میرزا قلیچ بیگ، تاریخ خاندان و اجداد خود را چنین

بیان می کند:

"میرزا قلیچ بیگ سومین پسر میرزا فریدون بیگ گرجی بود. پدر او و پدر
بزرگ مادری وی، میرزا خسرو بیگ گرجی - با خانوادۀ نجیبی از شهر تفلیس
(پایتخت گرجستان) نسبت داشت. گرجستان یکی از استان های روس بود که آن
را جارجیا هم می گفتند. میرزا فریدون بیگ و میرزا خسرو بیگ هر دو مسیحی بودند
و در جنگی که بین ایران و روس معروف به (اروس) در گرفت به دست سپاهیان
لشکر ایرانی اسیر و به دربار فتحعلی شاه قاجار آورده شدند. ایشان پس از انتقال به
ایران به مذهب اسلام گرویدند و پس از مدتی این دو پسر به رسم هدیه به خدمت میر
کرم علی خان تالپور والی سند (متوفی ۱۲۴۴/۱۸۲۸ م) فرستاده شدند و با خانوادۀ
سلاطین تالپوران سند همنشین شدند و تحت تعلیم میر کرم علی خان قرار گرفتند. آن
زمان سن میرزا خسرو بیگ گرجی پانزده و میرزا فریدون بیگ ده سال بود. آنان پس از
پایان سلطنت تالپوران بر سند، همراه خانوادۀ دیگری از تالپوران در "تندو تهورو"
حوالی حیدرآباد سند معروف به قلیچ آباد اقامت دائمی اختیار کردند و هم اکنون
فرزندان ایشان که شاعر و ادیبند ساکن این محله اند و زبان معمول این خانوادۀ تا
عصر حاضر، فارسی و سندی بوده است."

(قلیچ بیگ، ۱۴۲۲ ه ق، ص: ۱۳).

میرزا قلیچ، تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه ای نزدیک منزل پدری آغاز کرد و از دوران کودکی ذوق علمی و هنری او مشهود بود به نحوی که از هفت سالگی به سخن پردازی در نظم پرداخت و روزانه، ساعت ها می نوشت و به مطالعه کتاب و یادداشت برداری اهتمام می کرد.

در دوران تحصیل، تعدادی از آثارش جائزه گرفت و از نظر انشاپردازی بین شاگردان ممتاز بود. قرآن را نزد شفیع محمد در مکتبخانه و زبان انگلیسی و سندی را از برادر بزرگ خود میرزا صادق بیگ فرا گرفت و همزمان نزد پدرش، زبان عربی و فارسی را آموخت و مطالعه چهار کتاب گلستان، بوستان، کلیله و دمنه، سکندرنامه و بسیاری از کتاب های دیگر فارسی را در زمانی کوتاه به پایان رساند.

میرزا قلیچ، در دوران تحصیلات مدرسه، طبع آزمایی می کرد و پس از سرودن شعر به زبان های سندی و فارسی و هندی که از پدر تعلیم می گرفت، اشعار خود را به مدیر مدرسه تقدیم می نمود. او سخنوری را بسیار دوست می داشت و دائم آثار بزرگان این فن بویژه دیوان حافظ، صائب، فقیر بیدل و فردوسی را با دقت مطالعه می کرد تا مرتبه ای که در آثار و اندیشه این بزرگان، صاحب نظر شد و در سخنوری چنان قدرت یافت که بی درنگ درباره موضوعات مختلف اظهار نظر می کرد. میرزا قلیچ پس از پایان تحصیلات و احراز رتبه عالی و کسب مهارت در آموزش چند زبان، به استخدام دولت درآمد و در شهرهای مختلف سند مانند: حیدرآباد، کراچی، شکارپور، روهری، سهون، جیکب آباد، جویی و میرپورخاص خدمت کرد. وی در اشعار خود به مدح و شکایت بعضی از شهرها پرداخته است و از آن جمله در مدح مکان لاهوت گفته است:

لاہوت کہ اصل لا مکان مشہور است کوهی دور است لیک جامی نور است
آید نہ اگرچہ لن ترانی آواز لیکن بہ مشاہدہ مثال طور است

و در شکایت یکی از شهرها نیز که در آن خدمت می کرده چنین گفته است: ای دل بگو کدامین این قریه و دیار است معکوس رسم و راه و مقلوب کاروبار است آید نسیم سحری در موسم خزان ییاد خزان در آید وقتی که نوبهار است میرزا، دوره زندگی کارمندی و خدمات دولتی را در سال ۱۲۸۹ هجری از شغل آموزگاری زبان فارسی در دبیرستان دولتی حیدرآباد سند آغاز کرد و پس از سی سال خدمت شایسته در مدارس دولتی و اداره مالیاتی دولت در سال ۱۳۰۷ هجری (۱۹۱۰م) در سن پنجاه و پنج سالگی باز نشسته شد و از طرف دولت وقت، مدال "قیصر هند" دریافت کرد.

آثار و خدمات علمی:

با وجودی که میرزا، مشکلات و گرفتاری هایی در زندگی داشت و در دوران خدمات دولتی فرصت محدودی به دست می آورد، از انجام کارهای فرهنگی و تحقیقی غافل نماند و از هر فرصتی استفاده کرد و آثاری پدید آورد و کتابخانه ارزشمندی نیز از خود به یادگار گذاشت و این نگارنده توفیق یافت، آن کتابخانه را با هدایت اعجاز علی بیگ میرزا فرزند اسد بیگ میرزا از فرزندان قلیچ بیگ که خود از شخصیت های فرهنگی و صاحب ذوق و ادب در منطقه سند است روزی را با وی گذراند. مجموعه کتاب های منشور و منظوم فارسی، انگلیسی و دیگر زبان ها در موضوع های مختلف در کتابخانه میرزا با ارزش و با اهمیت است، و نشان می دهد که میرزا، دقت خاصی در انتخاب آثار داشته است.

از مجموعه آثار تألیفی میرزا قلیچ، بر می آید که، بیشتر آثار او در زمینه حکمت، عرفان و فلسفه است و در زبان های متعدد از جمله فارسی سخنوری می کرده، و طبعی وقاد و ذوقی سرشار داشته است. این دو بیت از اوست:

زهاد به قیل و قال خود مغرورند مستان رخت ز باده خوش مخمورند

آنها که در این و نه آن مذکورند دورند ولی به فضل تو مسرورند یکی از ویژگی های دیگر میرزا قلیچ، توجه و تدبیر به جهان طبیعی بود و به مناظر و زیبایی طبیعت می نگریست. او با تفکر عمیق، مطالب و مضامین را ضبط می کرد و چون مردان بزرگ به علت نهایی هستی و خالق آن می اندیشید و دائم در یاد خدا بود. قبل از مرگ، آرامگاه ابدی خود را بنا کرد و شب های جمعه در آن قدم می نهاد و به عاقبت زندگی می اندیشید و تنبه می گرفت. برای هر سال از عمر خود در کتابچه ای به نام "ذکر الموت" شعری سروده و وصیت کرده که آخرین شعر آن مجموعه را روی قبرش حک کنند. آخرین شعر که قطعه خودنوشت تاریخ وفات اوست ایات زیر است:

عمرم به همین سال چو هفتاد شد و هفت	آمد ملک الموت ز درگاه حق آخر
گفتا که بسی زیستی در منزل دنیا	شو عازم عقبی زدم آهی و بمردم
از فرط مسرت زدم آهی و بمردم	در عالم ارواح رسیدم دم دیگر
تاریخ وفاتم چو دلم خواسته از غیب	هاتف زکرم کرد ندا: "بخت موقر"

(۵۱۳۴۸-ق)

میرزا، اغلب رویداد هایی را که در زندگیش رخ می داد در قالب شعر ضبط می کرد.

از جمله به مناسبت در گذشت پدرش، سروده است:

ای دریغ این جهان میرزا فریدون بیگ رفت	از فراقش شد دل هر مهربان در غم کباب
مادر ایام را کم تر شده این سان پسر	صالح و فرخ همایون پی، رشادت انتساب
صاف دل، پاکیزه طینت، خیر خواه و نیک خو	حق پرست و حق شناس و سالک راه صواب
پیرو دین محمد هم محب مرتضی	خسته دل از ماتم آل علی بو تراب

شاد روان سید پیر حسام الدین راشدی، محقق و دانشمندی بزرگ و ایران

شناس معروف سرزمین سند، درباره خدمات علمی و فرهنگی میرزا، مطالب قابل تأملی ذکر کرده و در حق او نگاشته است:

”اگر میرزاقلیچ بیگ از بیست سالگی شروع به تألیف کتاب یا سرودن شعری کرده باشد با توجه به ۴۵۷ جلد کتابی که نوشته به طور قطع در مدت ۵۷ سال، روزانه پنجاه صفح تألیف، تصنیف و ترجمه داشته است. مرحوم آقای بروهی وزیر اسبق داد گستری پاکستان درباره میرزاقلیچ بیگ می گوید: به مصداق حدیث نبوی ”انا مدینه العلم و علی بابها“ شاه عبداللطیف بهتائی شاعر و صوفی بزرگ سند، مدینه علم سند است و قلیچ بیگ دوزه آن مدینه است.“ (فرزانه پور، ۱۹۷۵م)

نواز علی شوق رییس وقت کرسی "شاه لطیف" دانشگاه کراچی مطلبی با عنوان اخلاق حسنه، از برخورد بسیار صمیمی و پراز مهر و محبت او یاد کرده و می نویسد: میرزاقلیچ بیگ با اینکه از کارمندان رده بالا در دولت وقت بود و از نظر علمی نیز مقام بالایی داشت، دائم به حضور صوفیان و درویشان می رسید و از آنان کسب فیض می کرد و با بعضی از عارفان، روابط نزدیک و دوستانه داشت و در محافل شعر عرفانی آنان شرکت می کرد و حضور در این محافل، وی را به سرودن اشعار عارفانه و حکیمانه تشویق می نمود. (شوق، ۱۹۹۰م، ص: ۱۹)

میرزا، در غزلی با عنوان "پناه عشق"، اندیشه عارفانه خود را نسبت به معشوق چنین بیان کرده است:

به کوی تو شدم ساکن که باشم خاکسار اینجا دل اینجا جسمم اینجا جانم اینجا جان نثار اینجا
ز خاک آستان من نه بردارم سراز سجده حق اینجا قبله اینجا کعبه اینجا کردگار اینجا
این غزل را با این بیت به پایان می رساند:
قلیچ اندر پناه عشق تو هر گونه شد ایمن نبی اینجا علی اینجا جناب هشت و چار اینجا

دکتر عبدالجبار جونيجو، اندر مقام علمی میرزا قلیچ بیگ می نویسد: "میرزا قلیچ بیگ، از آن سخنوران و نویسندگان زبان سندی است که خدمات ادبی وی نقش محو نشدنی بر ادبیات سندی گذاشت. او نه فقط آثار دیگران را به سندی ترجمه کرد، بلکه خود نیز دست توانایی در انشا داشت و آثار به یادگار ماندنی او، شاهد بر آن است. میرزا همچنین دستی در سخنوری داشت و سه مجموعه او به زبان سندی مشتمل بر سروده های وی همراه ترجمه اشعاری از دیگران، توسط سند ادبی بورد به چاپ رسیده است" (جونيجو، ۱۴۰۰ه ق، ص: ۱۵۳). معروفترین اثر میرزا در نظم، "دیوان قلیچ" است. (جونيجو، ۱۴۰۰ه ق، ص: ۱۵۳). از آثار برجسته دیگری "گرچی نامه" است که اخیراً با تصحیح فائزه زهرا میرزا که خود نیز یکی از یادگارهای علمی و فرهنگی خاندان گرجیان است، در سلسله انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به چاپ رسیده است. میرزا قلیچ در این مجموعه، سروده های فارسی بزرگان این خاندان یعنی میرزایان گرجی ساکن سند و اشعاری را که در باب ایشان گفته اند و یا خود به مناسبت های مختلف روزگار خویش سروده بود جمع آوری کرده است و حاوی مباحث علمی، ادبی، اخلاقی، دینی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ماده تاریخ در بحور مختلف است.

عامل دیگری که قلیچ بیگ را به جهان معنوی، تشویق و راهنمایی کرد و در نگارش و سخنوری او اثر گذاشت و غم و اندوه و سوز ایجاد کرد، مرگ همسرش خیر النساء بیگم بود که در جوانی درگذشت. میرزا به وی علاقه شایانی داشت و حدود نوزده سال به یاد او در تنهایی زیست و این حادثه در زندگی و روح او تحولی ایجاد کرد و اندیشه های او را متحول تر کرد و موجب بیشتر دوری او از ماده گرایی شد. میرزا، وفات همسرش را چنین بیان می کند:

آن مونس و همدم که تا پانزده سال در صحبت او راحت دل می افزود

درسی و سه سالگی برفت از برمن از هجرش روز روشنم گشت کبود
خانه بشکست و هم تن و جانم سوخت گر تا دم مرگ خود کنم گریه چه سود
با درد ولادت به شهادت برسید آمد اجلس به صورت طاعون زود
غره زمه محرم و شنبه روز بوده که ازین دار فنا نقل نمود
از سال وفات او نمودم چو سؤال حاتف به جواب گفت ذی عصمت بود
(۱۳۲۲ه ق)

میرزا، شرح زندگی خود را به زبان سندی در سال ۱۹۲۳ میلادی ۶ سال
قبل از درگذشتن (۱۹۲۹م) به نگارش در آورد و آن را، برگ سبز و دفتر سیاه نامید.
قطعه زیر را درباره شرح خود، نوشته است:

هر چه دارد قلیچ آرد پیش برگ سبز است تحفه درویش
سیهش گشت دفتر اعمال زان سیه رویی با سفیدی ریش
عجب احمق به دست خود بنوشت مدح و ذم نیک و بد سوانح خویش
خواهش دوستان شده عذرش خلق خوشدل از آن، خودش دلریش
میرزا قلیچ بیگ سه مجموعه شعر: دیوان به فارسی و گنجینه هایی فرهنگی و
ادبی به زبان های سندی، انگلیسی، ترکی، اردو... به یادگار گذاشته است. و جزء
معدود شخصیت های فرهنگی سند است که خدمات ارزنده و گسترده ای در راه
توسعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی و سندی انجام داده است. پدر وی نیز میرزا
فریدون بیگ، در دربار میرکرم علی خان تالپور که خود نیز در سخنوری فارسی
توانمند بود، و به طور کلی، کوشش های امرای تالپور برای اعتلای زبان فارسی در
سند سبب شد تا سند در محافل ادبی و علمی جهان شناخته شود.

قابل ذکر است که میرزا علی قلی برادر میرزا قلیچ نیز با زبان فارسی آشنایی
کامل داشت. و در مطالعه و تحقیق آثار عارف و شاعر بلندپایه سچل سرمست

۱۴ قاسم صافی/آثار و خدمات شمس العلما میرزا قلیچ بیگ در اشاعه جلال علمی زبان و ادب فارسی و ادبیات سندی

معروف به شاعر هفت زبان (متوفی ۱۲۴۲ هـ) دستی به تمام داشت؛ عارفی که عمده اشعارش به زبان فارسی است و با عناوین: دیوان آشکارا، رازنامه، عشق نامه، گدازنامه و جز آن تدوین شده است. علی قلی از نخستین کسانی است که سچل را مورد مطالعه قرار داد و او را به محافل علمی معرفی کرد و از این طریق، خدمتی به زبان و ادب فارسی ایفا نمود.

به هر روی می توان گفت، بزرگترین خدمت میرزا قلیچ در راه توسعه و گسترش زبان فارسی، معرفی سخنوران ایرانی به اهالی سند و معرفی سخنوران زبان فارسی سند به محافل علمی ایران و ماوراءالنهر بوده است. فهرستی از آثار او را در این زمینه، در پایان مقاله، خواهیم آورد.

از خدمات بزرگ علمی دیگر میرزا قلیچ بیگ، تشکیل مرکز ادبیات سندی به شیوه های جدید بود. او نخستین دانشوری بود که در ترجمه متون فارسی به سندی، اهتمام کرد و در این زمینه به مقام شامخی رسید. دکتر نواز علی شوق، میرزا قلیچ را از نخستین کسانی می شناسد که درباره "علم بدیع" و "علم عروض" به زبان سندی کتابی نگاشته است و موجب شده نزد دانشوران این دیار از احترام فوق العاده ای برخوردار شود. حکومت وقت، او را در سال ۱۹۲۴ پس از بازنشستگی به پاس خدماتی در زمینه های تحقیق و تألیف و ترجمه، و خدمت بزرگی که به زبان و ادبیات سندی و انگلیسی کرده بود به شمس العلما ملقب کرد و پانصد هکتار زمین به او هدیه داد. (قلیچ بیگ، ۱۴۲۲ هـ ق، ص: ۶۷)

عشق و علاقه قلیچ بیگ به علم و ادب باعث شد که بسیاری از نوشته های خود را رایگان در اختیار مراکز انتشاراتی قرار دهد و حتی روپیه ای (واحد ارزش پول شبه قاره) بابت آنها نگیرد. این بزرگی وی قابل تحسین است که آثار مفید را پیش خود نگاه نمی داشت بدان منظور که مطالب مورد نیاز جامعه به دست طالبان و

تشنگانش برسد. معتقد بود انسان مانند چراغی است و فایده اش موقعی آشکار خواهد شد که اطراف خود را روشن کند. او در غزلی با عنوان "بگذار با دانشوران" احترام دانشمندان را چنین پاس می دارد:

از گفته مردان ره، رمز حقیقت را گزین تزویر کم بینان برد، تقلید بی بنیاد را
افتی قلیچ از کجروی، همچون الف آزاد شو بگذار با دانشوران، تکرار سین و صاد را
بیشتر اشعار سندی وی تحت تأثیر شعر فارسی است و واژه های فارسی بسیاری در آن دیده می شود. نمونه ای از اشعار سندی او که با واژه های فارسی آمیخته است و اهتمام قلیچ بیگ را در و رود ادبیات فارسی به ادبیات سندی می نمایاند آورده می شود:

منجهو تیودشت و ییابان مین مجنون سان مقام آه دهان مست، شهر سان منکی کهرو کم

☆☆☆

جو قهر و ستم تیرنگاه تنجهو کری یار نا خنجر قاتل مین نه شمشیر مین آهی
(دیوان قلیچ)

مطلب دیگری که باید به آن اشاره شود، همعصر بودن قلیچ بیگ با شاعران معروف فارسی زبان نظیر: میر حسن علی تالپور، فقیر بیدل، آخوند محمد قاسم، قاضی غلام علی مایل و ...، که هر یک دیوان هایی به زبان فارسی به یادگار گذاشته اند. و میرزا قلیچ در توسعه زبان فارسی و حفظ آن، این سرایندگان را یاری داده است.

ویژگی خاص میرزا که او را از شاعران همعصر خود ممتاز می ساخت این بود که وی در زمانی می زیست که فارسی، سیر نزولی را آغاز کرده بود. امرای تالپور که در صدد ترویج زبان فارسی در سند بودند، به دست انگلیسیان بازداشت شده بودند و لذا میرزا بدون حمایت دولت، در برابر مخالفان و دشمنان زبان فارسی که

بساط این زبان را از مدارس دینی و مراکز آموزشی برچیده بودند مقاومت کرد و مخلصانه در حفظ و حراست آن کوشید و دائم در تالیفات خود یاد از شاعران و سخنوران این زبان کرد و مطالبی به محافل علمی عرضه نمود.

میرزا، حدود صد سال پیش پیشنهادهایی مبنی بر حفظ و توسعه زبان فارسی به دولت آن وقت ارائه داد و با این اقدام، عشق و علاقه خود را به این زبان ارزشمند ابراز کرد و می توان پی برد که نابودی زبان فارسی در سند، برای این دانشمند فارسی دوست چه قدر رنج آور و مایه محنت بوده است و مسلماً پرداختن به احوال این بزرگان و گرامیداشت یاد و خدمات آنان تا چه حد می تواند وسیله تنبه آیندگان در توجه به حفظ آثار مکتوب و صیانت از مواریث مشترک تاریخی و فرهنگی و مآلاً خدمت به احیا و تقویت مبانی زبان و فرهنگ فارسی در خارج از قلمرو فارسی زبانان باشد.

تألیفات میرزا قلیچ به فارسی:

میرزا، مورخ، جغرافیدان، منجم، داستان نویس، ریاضیدان، نقاد، مترجم و نویسنده و شاعری کثیرالتألیف بود و آورده اند که حدود چهار صد و پنجاه و هفت اثر با ارزش از او به یادگار مانده است. او در نتیجه تسلط به زبان های فارسی، عربی، انگلیسی، سندی، بلوچی، اردو و آشنایی با زبان های ترکی، گجراتی و مراهرتی، آثاری به این زبان ها بخصوص در ادبیات سندی در زمینه تاریخ، فلسفه، جغرافیا، ریاضی، زبانشناسی، دستور زبان، نمایشنامه، رمان، طب، اخلاق، نجوم، کشاورزی و نقد ادبی، تألیف کرد و او را به شکسپیر سند، سعدی سند، عمر خیام سند، پدر و بنیانگذار ادبیات سندی یاد می کنند. وی در ترجمه و در عرصه ایران شناسی نیز چیره دست بود و مقالات فرانسویس بیکن و داستان ها و رمان های شکسپیر را از انگلیسی، و گلشن راز شیخ محمود شبستری، کیمیای سعادت امام محمد غزالی و گفتارهای عمر خیام را از فارسی به سندی برگردانید و شاید بتوان گفت، نخستین

شخصیت و شاعر و ادیب بزرگ سند بود که به این کار اهتمام کرد و در ترویج و اشاعه ایران شناسی و فرهنگ ایران زمین در این خطه، سهم شایانی احراز نمود. برخی از آثار فارسی میرزا قلیچ که بیشتر آنها منتخبی است از شعرای متقدم و متأخر و معاصر، به این شرح است:

- ۱- ابکار الافکار سه جلد به نظم و دو جلد به نظم و نثر، ۲- اشعار الامثال دو جلد به نثر و نظم (گزیده ای از اشعار شعرا)، ۳- اشعار القرآن دو جلد (مربوط به آیات طولانی، موزون و مقفی)، ۴- خزینة سیمین به نثر (منتجی از کتب اخلاق و نصایح و سلوک و فلسفه از قبیل گلستان سعدی، پریشان قآنی، بهارستان جامی، عیار دانش شیخ ابو الفضل، لوايح جامی، تاریخ فرشته، تاریخ جهانگشای جوینی، روضة الصفای میرخواند، تاریخ ایران میرزا حیرت اصفهانی، لباب الالباب محمد عوفی، چچ نامه علی کوفی، تذکره دولت شاهی، تذکره آتشکده آذر، خزانه عامره میرغلام علی آزاد بلگرامی، نفحات الانس جامی، تذکره الاولیای عطار، عهد عتیق و عهد جدید فاضل خان همدانی، تفسیر حسینی، تفسیر کاشفی، دبستان المذاهب محسن فانی، سفرنامه ناصر خسرو، سفرنامه مظفرالدین شاه، حاجی بابا اصفهانی، شیخ احمد کرمانی و غیره. ۵- خزینة زرین به نظم (پنج جلد مشتمل بر تاریخ شعرای فارسی، متقدمین، متوسطین، متأخرین و معاصرین) ۶- دُرّ نجف به نظم (مجموعه اشعار شعرای متقدمین و متأخرین در مدح امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب) ۷- ذکرالموت به نظم (تاریخ های وفات) ۸- شعرالملوک به نظم (منتخبی از اشعار فارسی شاهان و شاهزادگان و امرای عجم و هند و سند) ۹- شعرالنسوان به نظم (مجموعه اشعار منتخب از شاعران زن ایران و هند) ۱۰- شعرالهنود به نظم (مجموعه اشعار شاعران هند و مذهب) ۱۱- گرجی نامه به نظم (مجموعه اشعار گرجیان ساکن سند و مطالبی درباره آنها و سروده هایی از خود) ۱۲- مفتاح القرآن به نظم و آثاری دیگر.

تألیفات به زبان های دیگر:

۱- ادبیات سندی (۳۸۵ جلد)، ۲- ادبیات انگلیسی (۴۱ جلد)، ۳- ادبیات فارسی (۲۲ جلد) ۴- ادبیات عربی (۳ جلد)، ۵- ادبیات اردو (۵ جلد)، ۶- ادبیات بلوچی (یک جلد)، ۷- لغات قدیمی مشتمل بر شرح الفاظ مشکل در اشعار شاعران کلاسیک سند ۸- مقالات الحکمه ترجمه از انگلیسی به اردو، ۹- بازرس، ترجمه داستانی از سندی به اردو، ۱۰- زینت برای بهداشت زنان، ۱۱- برگ سیاه (شرح زندگی خود)، ۱۲- شاه جو رسالو مجموعه اشعار شاه عبداللطیف بهتایی، ۱۳- احوال شاه عبداللطیف بهتایی به زبان انگلیسی و سندی، ۱۴- لغات لطیفی (شرح لغات مشکل در اشعار شاه لطیف)، ۱۵- کلید رساله شاه (فهرست واژه های رساله با معانی مختلف مورد استفاده در رساله)، ۱۶- لطیفی لات (فهرست امثال در رساله شاه عبداللطیف)، ۱۷- ترجمه منظوم رباعیات خیام به زبان انگلیسی و سندی. کتاب رباعیات خیام با ترجمه سی و دو زبان که اخیراً در تهران چاپ شده است، ترجمه میرزا قلیچ بیگ را نیز در بر دارد.

نمونه هایی از اشعار میرزا که نشانگر طبع وقاد و ذوق لطیف و دیدگاه اوست:

محراب رندان

بر در دیر مغان بردم به سر ایام ها	تا مگر حاصل شود اکسیر درد جام ها
در هوای گارخان خواب و خورم گشته حرام	دین و دل بر باد دادم نیز ننگ و نام ها
یار گر بامن یکی باشد ندارم هیچ غم	گر دهند اغیار از هر سو مرا الزام ها
بهر وصل دلبرم از بس که دارم اشتیاق	هر سحر گه می فرستم با صبا پیغام ها
تا نباشد غیر طوف کعبه مقصود کار	در خریمش هر زمان بندد دلم احرام ها
گر کند باری گذر زین کوی آن بدر منیر	چون هلال عید بینندش همه بر بام ها
کی نباشد مرغ دل در زلفهایش مرده وار	کاوفتاده یک تن اندر حلقه صد دام ها

باش ساکن اندرین محراب رندان ای قلیچ زانکه بر آید ازین در گه هزاران کام ها

غزل هزل آمیز درباره ریش

الا یا ایها الساقی به جامم ده حمایت ها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد غایت ها
چو اول می تراشیدم به دست خویش ریشم را ندانستم که آید بر سرم چندین شکایت ها
کسی می گهت گرم، کس بیهودی خوند و نصرانی از اینسان می شنیدم آه از هر سو حکایت ها
کنون بگذاشتم تا پیکرمان دور و دراز افتد دهد چون ریش قاضی هر کجا تفسیر آیت ها
بیاید با صفای دل صفای صورت آدم را نداند کس مگر صوفی از این راز و کنایت ها
”قلیچ“ ایام بی ریشی فراموشم نمی گردد که می کردند خوبان بر دل ریشم عنایت ها

نمونه دیگر از غزلیات

(از گرجی نامه)

یا رب چه ش بویی ازو نامد دل ناشاد را بسته مگر گل در چمن پای برید باد را
جوش بهار آمد کون نوروز و وقت نای و نوش بلبل کشید از سوز دل صد ناله و فریاد را
صحرا پر از مشک دفر صهبا همی جو شد به خم مطرب کجا شد کو زند ابریشم استاد را
سقی یا فرصت نگر باد لطیف و آب خوش باری نیابی در ارم این سایه شمشاد را
صحبت غنیمت دان کون بر دهر دیگر دم مزن کاین مادر خونین جگر در دم کشد اولاد را
مندیش کر شاخ مراد آخر بر شیرین خوری دیدی که بارنج و تعب حاصل چه شد فرهاد را
از گفته مردان ره رمز حقیقت را گزین تزویر کم بنیان برد تقلید بی بنیاد را

افتی قلیچ از کجروی همچون الف آزاد مشو

بگذار با دانشوران تکرار سین و صاد را

مستی بیهوده نیست نرگس جماش را از ستمش چاره نیست خاطر عیاش را
ضعف دلم سخت شد غیر لعاب لبش باز بگو ای طیب با چه خورم آتش را
باز به تشخیص کوش مرده ز بی خواهیم گرچه چشیدم بسی شیرۀ خشخاش را

صورت جانان چو گشت مست به رنگ خمار کلک ز انگشت رفت حضرت نقاش را
چون به فلک سر کشد طایر زرین جناح کور کند بر زمین دیدهٔ خفاش را
گردش چشمش کشید خط صطربلاب عشق خانهٔ شیشم فتاد منزل قلاش را
ترك زبردست ما خیل قراول کشید سخت به یورش شکست قلب قزلباش را
می نکند آشتی تیز کند تیغ چشم گوش نه اصلا کند مجلس کنکاش را
گرچه ز چشمش رسید جور بسی بر قلیچ

گاه خیالی نکرد کینه و پاداش را

بن چمیدادست کز تیغ نگاه انداختی قتل در خمخانه و در خانقاه انداختی
عمرها در زهد چون صنعان قدم برداشتم رخ نمودی حیف بازم در گناه انداختی
بازیم بر عرصهٔ رندی شده بی کشت مات بیرق قلب مراد در پیش شاه انداختی
سیر می کردم به اخوان صفا در مصر دل یوسف عیشم ز بی مهری به چاه انداختی
کی ز نور ساده رویان درابد گردد سفید هردلی کور از اول روسیاه انداختی
محو چون با پرده بازی ساختی ناهید را از تجلی پردهٔ بر مهر و ماه انداختی
هوش مغز آید کجا در مهر عذرای خیال وامقی را کاندترین حال تباه انداختی
چون نباشد نعره زن بلبل به باغ معرفت بر گل صد برگ خود را جلوه گاه انداختی
کی رسد تا باب هشتم از گلستان قلیچ

کش سر دیباجه بر برگ گیاه انداختی

ز مصحف رخ او دوش چون زدم فالی ز جیم زلف دو تایش پدید شد دالی
شده زمیم دهانش صفات سین برون خط سیاه برآمد ز نقطهٔ خالی
مگر کبوتر دل شد به شهر شهبازان خبر رسید فتاده به قید چنگالی
نگشت شکل بیاضم خوف زهبط و صعود هزار قرعه زدم گرچه زو بهر سالی
بومزهاش تصور نمی توانم کرد که نیست او نفسی استوار هر حالی

کنبلچاه‌نیزه اسیر صد بیژن دهد هزار تهمتن به پنجه زالی
چو تیر شد مژهاش چون کمان شده ابروش یقین شود هدف سینه ام چو غربالی
زیان و سود به بازار عشق گرچه یکی است بهای او نشنیدم ز هیچ دلالی
اگر چه عاشق او صد کسندلیک چو من جفا و جور ورا کمترست حمالی
اگر زغمزه اش آسیمه شد قلیچ چه باک
دلش مگر شده پا بسته همچو پر کالی

نتیجه و حاصل کلام:

از مطالعه زندگانی علمی خان بهادر میرزا قلیچ بیگ می توان نتیجه گرفت که وی در اشاعه عظمت و فضیلت و جلالت علمی زبان فارسی در سطح عالی آگاه بوده است و بسیار کوشیده به وسیله آثار علمی خود، تا آنجا که در توان داشته سرمایه عظیم زبان و فرهنگ فارسی را از طریق تألیف آثار متعدد و ترجمه آثار ارزشمند این زبان به زبان های دیگر و بعکس، بخصوص به زبان سندی که در آن تسلطی وافر داشته، اهتمامی بسزا نماید و در صحنه علم و ادب، نتایج ثمر بخشی از خود باقی گذارد. مقصود اساسی در کارها و خدمات قلیچ بیگ، تعلیمات اخلاقی و آموزشی و بیان افکار اجتماعی، ادبی و سیاست مدن، و همچنین معرفی خدمات و افکار شعراء ادبا، عرفاء، فضلا و علمای ایران و سند بوده است. او بحق يك محقق مدقق و ادیب اریب و دانشور گرانمایه ای بود که در عرصه تحقیق و تتبع در زمینه ادب و تاریخ، مقام جاودانه به دست آورده است و به ذخایر سرشاری که در درون فرهنگ و تمدن اسلامی شبه قاره نهفته بود دست یافته است و نیز این توفیق را داشته که در روند زندگی شخصی و روابط اجتماعی، حکمت نظری و عملی و آیین فتوت و جوانمردی و تنبه از عاقبت روزگار گذران را به نمایش گذارد و از این جهت، شخصیتی پر جاذبه و صاحب عقیده و اندیشه جلوه کرده است و به عنوان میراث

۲۲ قاسم صافی/آثار و خدمات شمس العلما میرزا قلیچ بیگ در اشاعه جلال علمی زبان و ادب فارسی و ادبیات سندی

گرانقدر و الگویی برای سرافرازی جامعه امروز سند قابل مطالعه است .

کتاب شناسی و منابع:

- ۱- جونيجو، عبدالجبار، اثر شعر فارسی بر شعر سندی، انستیتوت آف سند الاجی، حیدرآباد، جامشورو، ۱۹۸۰م، ص: ۱۳۵.
- ۲- سائوین یا کارونپو (برگ سبز و دفتر سیاه)، سوانح خودنوشت میرزا قلیچ بیگ به سندی، سندی. ادبی بورد، ۱۹۹۸م
- ۳- شوق، نوازعلی، میرزا قلیچ بیگ، سند ثقافت و سیاحت کاتو، کراچی، (وزارت فرهنگ و جهانگردی) ۱۹۹۰م، ص: ۱۹.
- ۴- فرزانه پور، رشید. در شرح احوال شمس العلما میرزا قلیچ بیگ (فارسی)، حیدرآباد، خانه فرهنگ ایران، ۱۹۷۵م.
- ۵- قلیچ بیگ، گرجی نامه اثر میرزا قلیچ بیگ، با تصحیح فائزه زهرا میرزا، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۲۰۰۱م، ص: ۱۳.
- ۶- وفائی دین محمد (مولانا)، تذکره مشاهیر سند، حیدرآباد. سندی ادبی بورد، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۲۳۶